



فلسفه برای کودکان در ایران / تفاوت‌های روشی آموزش فلسفه

فلسفه برای کودکان، موضوع تازه‌ای است که بیش از چهار دهه از طرح آن نمی‌گذرد، این موضوع، با نام‌های گوناگونی همچون فلسفه برای کودکان، فلسفه با کودکان، فلسفه و کودک و ... شناخته شده است.

فلسفه برای کودکان، موضوع تازه‌ای است که بیش از چهار دهه از طرح آن نمی‌گذرد، این موضوع، با نام‌های گوناگونی همچون فلسفه برای کودکان، فلسفه با کودکان، فلسفه و کودک و ... شناخته شده است. پرفسور متیولیپین آمریکایی، نخستین کسی است که این رشته را در سال 1962 پایه‌گذاری کرد و پس از آن، به طور رسمی پژوهشگاه توسعه و پیش‌برد فلسفه برای کودکان را در دانشگاه دولتی مونتکلیر تأسیس کرد.

دیری نیابید که این طرح با روش‌های مشابهی در دیگر کشورها نیز رواج یافت؛ به گونه‌ای که در حال حاضر بیش از 120 کشور در این زمینه فعالیت دارند.

درباره پیشینه این برنامه در ایران، برخی بر آنند که ابوریحان بیرونی، دانشمند مشهور ایرانی، اولین کسی است که با نگارش کتاب‌التفهیم (درباره آموزش مقدمات ریاضی و نجوم به کودکان) و تقدیم آن به کودکی خیالی به نام ریحانه، گام اول را در این عرصه برداشته است.

شیوه نگارش‌التفهیم بدین‌گونه است که نخست ریحانه (کودک خیالی)، پرسش‌های خود را مطرح می‌سازد و پس از آن، ابوریحان به پاسخ آن‌ها می‌پردازد. متأسفانه بعد از ابوریحان کسی راه او را پی‌نگرفت و بدین ترتیب این شیوه بدیع آموزشی او به فراموشی سپرده شد.

تفاوت میان «فلسفه برای کودکان» و «فلسفه با کودکان»

پس از گسترش آموزش فلسفه برای کودکان در جهان، مراکز و مؤسسه‌های گوناگونی به این کار روی آوردند، ولی لزوماً همه آنها عنوان «فلسفه برای کودکان» را برای خود برنگزیدند، بلکه برخی، از عنوان‌های دیگری همچون «فلسفه با کودکان» و مانند آن سود جستند.

راجر ساتکلیف، رئیس انجمن بین‌المللی کاوش فلسفی با کودکان در انگلیس، درباره تمایز این دو عنوان می‌گوید:

به نظر من، یک دلیل اینکه چرا برخی از مردم، از واژه "با" به جای "برای" استفاده می‌کنند، این است که می‌خواهند نشان دهند که الزاماً از مطالب نوشتاری "لیپین" و همکارانش استفاده نمی‌کنند.

دلیل دیگر این است که صریح‌تر بفهمانند که فلسفه در این موارد، بیشتر به یک فرآیند (کندوکاو) شباهت دارد؛ بدین معنا که ما با کودکان مشارکت می‌کنیم و نه آنکه یک دانش خاص (فلسفه) را برای آنها ارائه دهیم.

خود لیپین درباره تمایز این دو عنوان می‌گوید:

فلسفه با کودکان چونان شاخه فرعی کوچکی از فلسفه برای کودکان رشد کرد؛ بدین معنا که فلسفه با کودکان از گفت و گو درباره آرای فلسفی سود می‌برد، اما نه فقط به واسطه داستان‌های نوشته شده برای کودکان.

در کشور ما نیز برخی برای اینکه تفاوت شیوه خود را با شیوه‌های غربی آموزش فلسفه به کودکان نشان دهند، نام «فلسفه و کودک» را برای گروه علمی خود برگزیده‌اند. به باور آنان، ما به دلیل پشتوانه بسیار غنی در حیطه دین و فرهنگ‌مان، هرگز به منابع و محتوای غربی که بر پایه فلسفه‌های کنونی انسان‌مدار و نسبی‌گرا استوار است، نیازمند نیستیم و در تعیین اهداف و روش‌ها نیز می‌باید مستقل و هوشمندانه عمل کنیم.

به همین دلیل، آنان در نام‌گذاری نیز متفاوت عمل کرده‌اند و نام فلسفه و کودک را برگزیده‌اند تا نشان دهند پیرو مبانی غربی‌ها در برنامه فلسفه برای کودکان نیستند.

بی‌شک رسیدن به قله‌های بلند پیشرفت و دستیابی به اهداف بلندمدت کشور در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... با ترجمه و تقلید از آثار دیگران امکان‌پذیر نخواهد شد، بلکه باید با اعتماد به نفس و خلاقیت، به نوآوری در تمامی عرصه‌های علمی اعم از علوم تجربی و علوم انسانی دست‌زد.

این امر، بدون فراهم آوردن بستر مناسبی برای آن در جامعه به طور کامل عملی نخواهد شد؛ زیرا لازمه آن وجود عالمان و دانشمندانی خلاق و خودباور است که مقهور دست‌آوردهای کشورهای پیشرو در آن فنون نشوند.